

چشم انداز معاملات سود آزر آمریکا با اعراب هنوز روشن است

جهان عرب و

عمر طولانی بازارهای واردات

ترجمه: محسن اشرفی

مقاله حاضر، دراصل سخنرانی دکتر «آکس آنکونی» Alex (Anckonie) استاد بانکداری و بازرگانی بین الملل دانشگاه «جورج تاون» است که طی کنفرانسی در هوستون - تگزاس تحت عنوان «روابط اعراب - ایالات متحده در جهان» متحول ایراد شده است. اطلاع از تخمین ها و رهنمودهای وی در زمینه رشد واردات اعراب تا سطح ۲۰۰ میلیارد دلار و گسترش ارتباط اعراب - آمریکا به خاطر وجود فرصتهای مناسب تجاری برای مؤسسات آمریکایی، می تواند در پیش بینی آینده سیاست خارجی ایالات متحده در این منطقه، که پراهمیت و حفظ عمده ترین سرزمینهای عربی تاکید دارد، یک پیش آگاهی روشن کننده باشد.

در حال حاضر، در بسیاری از محافل تجاری ایالات متحده، سخنانی در مورد این که «روزهای خوب گذشته» در تجارت با دنیای عرب به تاریخ پیوسته است، به گوش می خورد. برخی معتقدند که اکنون برای حفظ و توسعه درآمد مؤسسات بین المللی تجاری باید به جای دیگری روی آورد. افسانه هایی در مورد «به انجام رسیدن پروژه های زیر بنایی» و «نصف شدن بهای نفت» «دائما به عنوان «مدرک» تکرار می شوند و سعی دارند این نتیجه را به دست دهند که، اکنون دیگر دنیای عرب چیزی برای ارائه به مؤسسات متوسط آمریکایی که در پی فعالیتهای بین المللی سود آور هستند، ندارد.

هدف این مقاله به دور انداختن این افسانه ها و ارائه طیف وسیعی از اطلاعات است تا نشان دهیم دنیای عرب هنوز در حال وارد کردن کالا است و درحقیقت، به این کار طبق روال سابق ادامه می دهد.

برای توسعه بین المللی فعالیتهای مؤسسات تجاری ایالات متحده، تنها وجود تقاضای فزاینده کالاها و خدمات کافی نیست، بلکه توانایی پرداخت بهای این کالاها و خدمات یعنی انجام تعهدات مالی نیز مطرح است.

این مقاله به این موضوع خواهد پرداخت که دنیای عرب منابع کافی برای پرداخت بهای واردات خود را دارد. همچنین نظراتی را در مورد کالاها و خدمات منتخبی که در بسیاری کشورهای عربی یا مورد تقاضا هستند و یا خواهند بود ارائه، می کند. این بخش اهمیت تجارت با جهان عرب در طرحهای استراتژیک مؤسسات آمریکایی را نیز مورد بحث قرار می دهد و یک نتیجه گیری خلاصه در پایان ارائه خواهد شد.

موقعیت واردات در جهان عرب

برای رد نظریات نادرست موجود در پاره کاهش سطح واردات در کشورهای عربی، بهتر است نگاه مختصری به آمار معتبر ارائه شده توسط صندوق بین المللی پول (۱) ببینیم که شامل ارقامی در مورد واردات کشورهای عرب عضو این سازمان است. در این آمار، ارقام واردات سالانه و نرخ برابری ارزهای خارجی، به گونه ای ارائه شده اند که بتوان سابقه واردات هر کشور عربی را به «دلار» که واحد پولی جامعه تجاری آمریکا است بیان کرد.

بررسی این ارقام نشان می دهد که کشورهای عرب، در دو دهه گذشته مشارکت بسیار فعالی در روند تجارت جهانی داشته اند و سطح کلی واردات آنها بسیار بالاتر از سطح واردات در یک دهه یا حتی ۵ سال پیش است. البته این مطالعه، باید در مورد تک تک کشورهای عربی به شکل مستقل صورت می گرفت ولی کمبود جا تنها اجازه می دهد از فرم خلاصه شده نمودار شماره یک استفاده کنیم. این نمودار که تغییرات حجم واردات اعراب را در چهار دهه اخیر نشان می دهد، چارچوب لازم را برای بحث فراهم می کند. این نمودار، رشد عظیم حجم واردات کشورهای عربی را در بازه سال اخیر نشان می دهد. در حقیقت، سطح واردات اعراب در سال ۱۹۸۴ بیش از ۱۲ برابر سطح این واردات در سال ۱۹۷۰ بود (۲). حجم ۹۰ میلیارد دلاری واردات در سال ۱۹۸۴ باید توسط هر شرکت آمریکایی که در صدد برنامه ریزی برای بهره برداری از مبادلات است، به عنوان یک موقعیت مهم تجاری در نظر گرفته شود.

اما بهر حال، نمودار یاد شده و بحث در مورد آن، تحولات اقتصادی قابل توجهی را که طی ۱۵ سال اخیر در جهان عرب رخ داده است، به اندازه کامل نشان نمی دهد. در نمودار شماره (۲) نسبت واردات جهان عرب به تولید ناخالص ملی آنها نشان داده شده است. همانگونه که در این نمودار دیده می شود، کشورهای عرب از دوره ای که در آن دارای اقتصادهای تقریباً منزوی بسته (و به قول اقتصاددانان «خودکفا») بودند بریده، و اکنون در دوره اقتصادی جدیدی به سر می برند که در آن، بخش خارجی اقتصاد هر یک از کشورهای عربی نسبت به ۱۵ سال قبل به شکل بسیار قابل توجهی توسعه یافته است.

توسعه اقتصاد این کشورها، سبب گسترش مؤسساتی که برای عمل در حوزه تجارت بین المللی ضروری هستند، در سرزمینهای آنها شده است. این توسعه خود بخودی مؤسسات و عملیات بین المللی، هر چند اغلب توسط شرکتهای تجاری آمریکا تشخیص داده نمی شوند، امروزه در کاهش خطرات تجارت با جهان عرب مؤثر می باشد، در حالیکه ۱۵ سال پیش تجارت با کشورهای عربی مخاطره آمیزتر بود. هر چند گسترش این مؤسسات و عملیات بین المللی آنها بسیار قابل توجه بوده است، اما هنوز هم کارهای زیادی در این مورد باقی مانده است و این کار ضروری، می بایست، به عنوان یک امر مرتبط با فرصتهای بالقوه پرمفعت، توسط مؤسسات آمریکایی مورد توجه قرار بگیرد. در حقیقت اقتصاد کشورهای عربی، به طور متوسط، بسیار بیشتر از اقتصاد ایالات متحده «بین المللی» است. میانگین نسبت واردات به تولید ناخالص ملی، یک معیار مناسب برای سنجش سهم بخش بین المللی در اقتصاد کشورها است. متوسط این نسبت برای برخی از کشورهای عرب در جدول شماره یک ارائه شده است. به منظور مقایسه، نسبت مشابه مربوط به ایالات متحده را نیز آورده ایم.

بر پایه تداوم مورد انتظار در مورد رشد کشورهای عربی، نسبت واردات به تولید ناخالص ملی در چند دهه اخیر، و همچنین به خاطر نرخهای مورد انتظار رشد تولید ناخالص ملی در این کشورها طی چهارده سال آینده، روشن است که سطح واردات در جهان عرب تا سال ۲۰۰۰ به قیمت ثابت، حداقل دو برابر سطح ثبت شده برای چند سال اخیر خواهد بود و به ۲۰۰ میلیارد دلار (به قیمتهای

نایب سال ۱۹۸۶) بالغ خواهد شد. (۳)

ابعاد کنونی بازار کشورهای عرب و رشد مورد انتظار این بازار تا پایان قرن حاضر، برای منافع آن دسته از شرکتهای آمریکایی که در استراتژی تجاری آنها بخش تجارت بین المللی رل عمده ای دارد، حیاتی است.

منابع مالی جهان عرب

در تجارت بین الملل، معاملات سودآور تنها می تواند در جایی توسعه یابد که تقاضای اقتصادی معقولی برای کالاها و خدمات وجود داشته و منابعی نیز برای پرداخت بهای این کالاها و خدمات موجود باشد. در سالهای اخیر جامعه تجاری ایالات متحده تحت نفوذ این فکر قرار گرفته است که نصف شدن بهای نفت خام، توانایی پرداخت بهای خدمات و کالاها توسط کشورهای عرب را کاهش خواهد داد. اما واقعیات حاصل از بررسی آمارهای اقتصادی و مالی جهان این پندار را تأیید نمی کند.

یکی از معیارهای مناسب برای تشخیص توانایی کشورهای وارد کننده در پرداخت بهای کالاها و خدمات وارده، میزان ذخایر ارزی این گونه کشورها است. (۴)

یکی از شاخصهایی که عموماً در تشخیص میزان مخاطرات پرداخت بهای کالاها و خدمات هر کشوری به کار می رود، نسبت ذخایر ارزی آن کشور به حجم وارداتش می باشد. با استفاده از آمار سالانه ی میزان ذخایر ارزی و ارزش واردات کشورهای عربی، می توان مشاهده کرد که متوسط نسبت فوق برای کشورهای عربی طی سالهای اخیر، حدود ۰/۴۸ بوده است. این رقم نشان می دهد که ذخایر ارزی اعراب تقریباً معادل ارزش واردات ۶ ماه آنهاست این نسبت، در قیاس با هر کشور دیگری - مثلاً آمریکا که نسبت فوق برای آن حدود ۸/۱ بوده و نشانه آن است که میزان ذخایر آن تقریباً برابر ارزش واردات یک ماه آن است - وضعیت بهتر کشورهای عربی را خاطر نشان می سازد. «نسبت ذخایر به واردات» برای کشورهای عربی و ایالات متحده، در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

به هر شکل که به این موضوع نگاه کنیم، «نسبت ذخایر به واردات» می بایست به عنوان یک شاخص مناسب جهت تعیین توانایی انجام تعهدات بین المللی بسیاری از کشورهایی که در «جدول دو» وجود دارند، در نظر گرفته شود. رفتار احتیاط آمیز در تجارت با آن گروه از کشورهایی که احتمالاً نسبت حجم ذخایر آنها به وارداتشان از رقم مشابه مربوط به ایالات متحده کمتر است باید به عنوان یک عنصر اساسی در طراحی و توسعه امور بازرگانی گرفته شود. (۵)

معیار دیگر در ارزیابی توانایی پرداخت بهای کالاها و خدمات وارداتی توسط اقتصاد یک کشور (که توانایی بخش خصوصی هر کشور را نیز معین می کند)، روند تغییرات سیرده های جاری داخلی در سیستم بانکی کشورها است. اطلاعات موجود - بعد از تبدیل واحد آنها به دلار آمریکا - نشانگر این است که وضعیت سیرده های جاری داخلی در کشورهای عربی، طی دهه گذشته بدتر نشده و کماکان در سطح بالا قرار دارد.

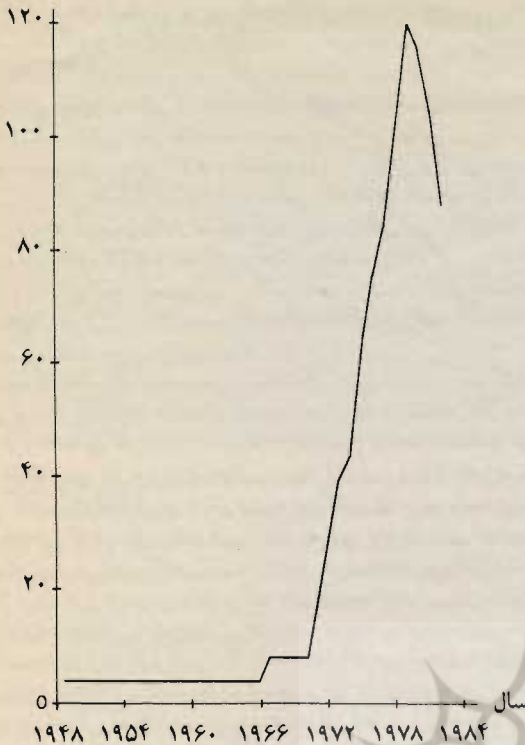
درحقیقت، همانگونه که در نمودار شماره (۳) نشان داده شده، میزان سیرده های جاری در بانکهای عربی - با در نظر گرفتن تعدیلات مربوط به تورم - به روشنی شانزده برابر میزان همین سیرده ها در ۱۵ سال قبل است. (۶)

مقایسه داده های تعدیل شده، نشانگر این است که حجم سیرده های جاری جهان عرب طی ۱۵ سال اخیر بسیار سریعتر از واردات آنها افزایش یافته و یک شاخص کاملاً دقیق برای نشان دادن توانایی مداوم جهان عرب برای تأمین مالی کالاها و خدمات وارداتی محسوب می شود.

آنچه باید برای جامعه تجاری ایالات، متحده مهم باشد، امواج سطحی (تغییرات کوتاه مدت مربوط به بالا و پایین رفتن قیمتتها در بخشهایی از اقتصاد عربی) نیست، بلکه اقیانوس عظیمی از تقاضا و رشد سیرده های جاری است که در جهان عرب وجود دارد. توانایی جامعه بانکی جهان عرب برای پاسخگویی به رشد عظیم تقاضای خدمات مالی، بدون حادث شدن مشکل عمده ای بر سر راه آن، یکی از بزرگترین دستاوردهای جهان عرب در ۱۵ سال گذشته است که تاکنون در مورد آن چیزی گفته نشده است. رشد قابل توجه خدمات بانکهای عربی طی پانزده سال اخیر، به روشنی نشان می دهد که این بانکها، در کنار بانکهای آمریکایی، برای انجام پرداخت مطمئن بهای کالاها و خدمات وارداتی جهان عرب قابلیت فراوانی برای همکاری دارند.

نمودار شماره یک - واردات دنیای عرب (میلیارد دلار)

میلیارد دلار



جدول یک - متوسط نسبت واردات بر تولید ناخالص ملی ۱۹۸۳ - ۱۹۸۵

کشور	نسبت	تعداد سال*
ایالات متحده	۰/۰۸۶۷	۳
اردن	۰/۵۹۴۰	۲
تونس	۰/۳۷۰۵	۳
عمان	۰/۳۵۷۵	۲
عربستان سعودی	۰/۳۳۵۹	۲
جمهوری عربی یمن	۰/۳۱۶۱	۱
امارات متحده عربی	۰/۲۹۸۶	۱
سوریه	۰/۲۹۲۴	۲
کویت	۰/۲۸۲۲	۲
مصر	۰/۲۸۰۰	۲
مراکش	۰/۲۶۷۵	۱

* ستون سوم (تعداد سال) نشانگر تعداد سالهایی است که ارقام آنها در دسترس بوده و برای محاسبه از آنها استفاده شده است.

فرصتهای توسعه تجارت

با توجه به اظهارات بالا دایر بر ظرفیت کشورهای عربی و داشتن استعداد برای پذیرش حجم زیادی از واردات و توانایی آنها در پرداخت بهای این کالاها و خدمات به عرضه کنندگان، شاید بیان برخی پیشنهادات به آن گروه از شرکتهای آمریکایی که خواهان گسترش حوزه عملکرد تجاری خود در جهان عرب هستند، مفید باشد.

اول - باید خاطر نشان ساخت که تصویر بالا دایر بر وجود تقاضا برای واردات و توانایی پرداخت بهای آنها نشان دهنده موقعیت کلی جهان عرب است و شرایط ویژه در کشور بخصوصی را توصیف نمی کند. موسسات آمریکایی

که قصد توسعه تجارت خود با کشورهای عربی را دارند، باید با توجه به موقعیت هر یک از کشورهای، در طرحهای توسعه تجارت خود، تقاضاهای واردات و توانایی مالی هر یک از آنها را به طور مجزا مورد بررسی قرار دهند. این اطلاعات که به شکل گسترده ای توسط بخشهای تحقیقات تجاری و برنامه ریزی این امور گردآوری شده به آسانی قابل دستیابی می باشد. همچنین می توان این گونه اطلاعات را از بانکهای بزرگ، موسسات بین المللی تحقیقاتی و حتی از اعضای هیاتهای علمی دانشگاههای محلی دریافت کرد.

شرکتهای آمریکائی باید جزئیات روشها و مکانیزمهایی را که برای بازپرداخت تضمین شده بهای کالاها و خدمات مورد استفاده قرار می دهند. با مسئولین بخش بین المللی بانکهای آمریکائی، که طرف حساب موسسات صادرکننده هستند. در میان بگذارند. این کار، باید در زمانی قبل از آغاز مذاکره با واردکنندگان بالقوه کالاها و خدمات در جهان عرب صورت بگیرد. وجود یک بانک مجرب و دارای شبکه نمایندگی در کشورهای عرب، هم برای جستجوی مشتریان بالقوه و هم برای تدارک زمینه بازپرداخت به موقع و تهیه قراردادهای تعهدات حساب شده، امری حیاتی است.

دوم - باید به خاطر داشت که برخی از بخشهای جهان عرب، در حال گذار از یک دوران توسعه اقتصادی هستند و اقتصاد اعراب به سرعت در حال تحول است. کالاها و خدماتی که در این کشورها در فاز قبلی توسعه اقتصادی مورد نیاز بود، احتمالاً در فاز جاری طرحهای توسعه آنها مورد نیاز نخواهد بود. شرکتهائی که می خواهند در امر صادرات به این کشورها موفق باشند، باید از کالاها و خدماتی که در حال حاضر مورد نیاز هستند، و یا تقاضای آنها در فاز بعدی توسعه پدید می آید، آگاهی داشته باشند. خوشبختانه این اطلاعات را می توان از اسناد قابل دسترس مانند برنامه های توسعه اقتصادی این کشورها نتایج مطالعات منطقه ای بانک جهانی، اطلاعات مربوط به توسعه تجارت بین المللی که توسط وزارت بازرگانی ایالات متحده فراهم می شود، و با مطالعات پیرامون توسعه اقتصادی کشورها که توسط برخی بانکها تهیه می شود، به دست آورد شرکتهائی که کالاها و خدمات صادراتی آنها در برنامه های توسعه اقتصادی و در بخش های اصلی اقتصاد کشور وارد کننده نقش حیاتی دارند، اغلب می توانند به کمک بانکها مکانیزمهای قابل اعتمادی برای بازپرداخت بهای صادراتشان ترتیب دهند. ولی کالاها و خدمات مصرف شده در بخشهای فرعی، توانایی ایجاد چنین مکانیزمهایی را ندارند.

سوم - برخی از موسسات آمریکائی در تهیه و تدارک کالاهایی تخصص یافته اند که دیگر مورد نیاز اقتصادی کشورهای عربی نیست. این شرکتهای باید از تخصص کسب شده خود به عنوان امتیازی استفاده کرده و به جای به پایان رساندن ساده دوران تجارب خود، آنرا به وسیله ای برای جستجوی فعال منابع جانشین درآمد در کشورهای عربی تبدیل کنند.

*** اقتصاد کشورهای عربی در سالهای اخیر بشدت گسترش یافته و اکنون به طور متوسط بسیار بیشتر از اقتصاد ایالات متحده (بین المللی) دارد.**

*** موسسات آمریکائی می توانند به تقاضای فزاینده اعراب برای انتقال طیف گسترده ای از روشهای مدیریت به شکل پرمفعتی پاسخ دهند. باید به خاطر داشت که با فروش کالاها و خدمات اغلب تکنولوژی وارداتی به تکنولوژی ملی و غالب در کشور وارد کننده تبدیل می شود.**

*** سطح واردات جهان عرب تا سال ۲۰۰۰ به سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید.**

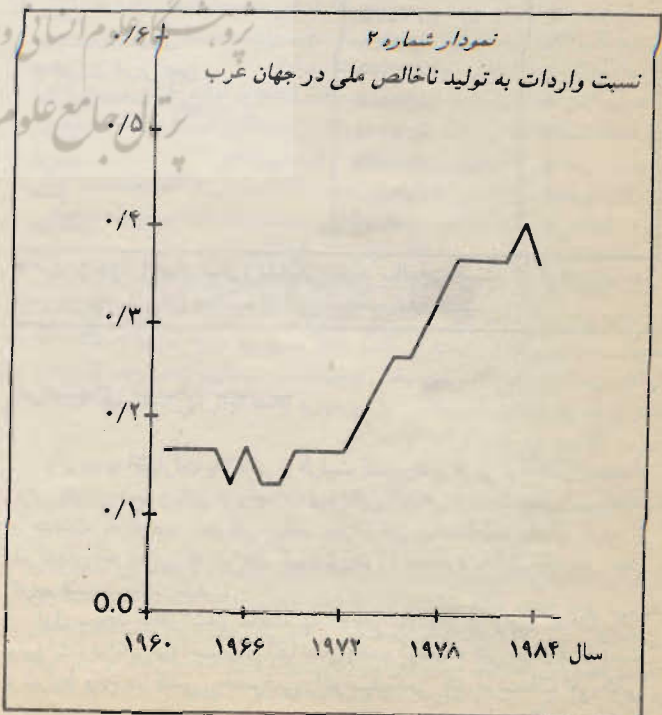
*** ابعاد کنونی بازار کشورهای عربی و رشد مورد انتظار آن تا پایان قرن، این بازار را برای منافع موسسات آمریکائی به یک عامل حیاتی تبدیل می کند.**

به عنوان مثال، یک شرکت ساختمانی عمده یا یک شرکت خدماتی در امر اکتشاف نفت که سابقه موفقیت آمیزی در مذاکره و همکاری با اعراب دارد، وقتی در تقاضا برای خدمات و کالاهای خود کاهش مشاهده می کند باید آگاهی های ارزشمند خود را در مدیریت پروژه ها در مدیریت سازمان مرکب از شرکتهای مختلف، و در توسعه و مدیریت برنامه هایی که برای بازار به اجرا درمی آیند. متمرکز کند. رشد سریع زیربنایی در کشورهای عربی شبکه بین المللی فعالیت آنها (هم برای واردات و هم برای صادرات کالاهای خدمات) تقاضایی وسیع و عمده برای انتقال طیف گسترده ای از تکنیک مدیریت ایجاد کرده است. بسیاری از موسسات آمریکائی می توانند به تقاضای ایجاد شده به شکل پرمفعتی پاسخ دهند. باید به خاطر داشت که فروش تولیدات کالاها و خدمات اغلب تکنولوژی وارداتی به تکنولوژی ملی

جدول ۲ - متوسط نسبت میزان ذخایر به واردات سالانه در سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۴

کشور	نسبت	تعداد سال
ایالات متحده	۰/۰۸۱	۲
عربستان سعودی	۰/۷۲۵	۲
کویت	۰/۶۶۰	۲
لبنان	۰/۵۳۲	۳
بحرین	۰/۴۴۱	۳
موریتانی	۰/۳۹۲	۲
عمان	۰/۳۱۷	۲
قطر	۰/۲۹۵	۲
امارات متحده عربی	۰/۲۴۸	۱
جمهوری عربی یمن	۰/۲۳۵	۱
اردن	۰/۲۰۶	۳
جمهوری دموکراتیک خلق یمن	۰/۱۷۶	۲
الجزایر	۰/۱۶۶	۲
تونس	۰/۱۳۸	۳
مصر	۰/۰۷۴	۳
سومالی	۰/۰۳۱	۳
مراکش	۰/۰۲۵	۳
سودان	۰/۰۱۵	۳
سوریه	۰/۰۱۱	۱

یادداشت: اطلاعات در مورد عراق و لیبی در دسترس نبوده است.



غالب در کشور وارد کننده تبدیل می شود.

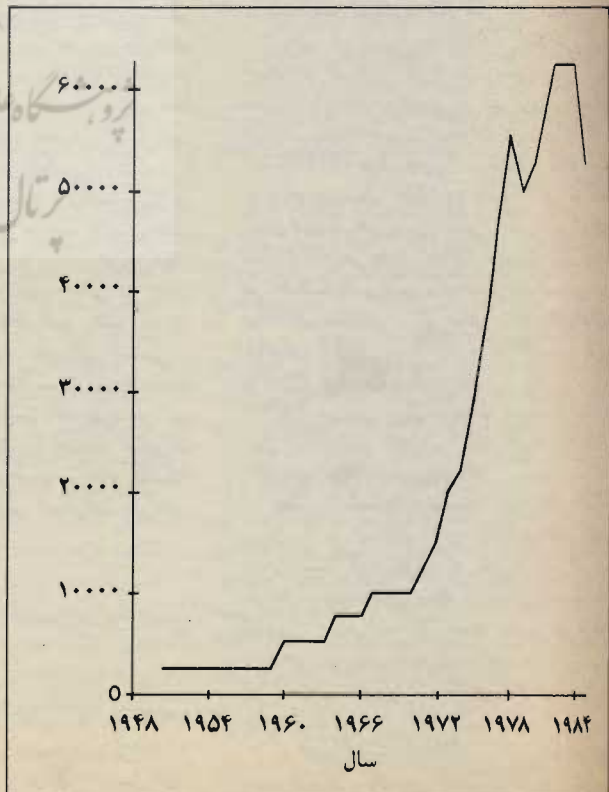
بسیاری از ملل عرب در برنامه های جدید توسعه خود، توجه زیادی به رشد تولید کالایی بخش خصوصی مبذول داشته اند. (۷) تعداد زیادی از موسسات آمریکایی در صورتیکه از برنامه های توسعه این کشور آگاهی کافی داشته باشند، به اشکال بسیار سودآوری می توانند درنیل موفقیت آمیز کشورهای عرب به این اهداف کمک کنند. کشورهای عرب به خاطر داشتن منابع مالی کافی از این امتیاز در زمینه اقتصادی برخوردارند که می توانند در تولید کالاهای مصرفی و برخی کالاهایی که تولید آنها همراه با ایجاد ارزش اضافه است اقدام کنند. برای نمونه، می توان به تولید مشتقات نفتی در حوزه خلیج فارس و صنعت تهیه آب میوه در مراکش اشاره کرد.

علاوه بر تقاضای فزاینده ای که برای طیف گسترده ای از کالاها و خدمات وارداتی در جهان عرب وجود دارد، این کشورها در برنامه های اقتصادی خود توجه زیادی به گسترش زمینه های بهداشت و آموزش مبذول می دارند. در برخی از کشورهای عربی، بخش اساسی توسعه این نوع خدمات هنوز صورت نغف به خود نگرفته است. در برخی دیگر از کشورها، بخش زیربنایی این برنامه های خدماتی جامه عمل پوشیده و در حال شروع برنامه هایی هستند که برای بهبود کیفیت این خدمات - و بطور همزمان کنترل مالی این پروژه ها - طراحی شده اند.

در هر دو گروه این کشورها، روشهایی جستجو می شود که با اجرای آنها خدمات آموزشی ارائه شده در جهت تأمین نیازهای برنامه توسعه کشور به نیروی انسانی گسترش یافته و سمتگیری شود. در هر دو گروه این کشورها، فرصت خوبی برای موسسات آمریکایی که توانایی ارائه خدمات به بخش بهداشت و آموزش را داشته باشند، وجود دارد.

رشد زیاد و مداوم تقاضا برای خدمات مالی در جهان عرب، همانگونه که در بالا تذکر داده شد، فرصتهای بسیاری برای فعالیتهای سودمند تجاری موسساتی که در ایالات متحده صادرات کالا و خدمات به کشورهای عرب را به عهده دارند فراهم می کند. آموزش خدمات مالی، ارائه ابزار و وسایل پیشرفته اداری، صدور اجازه ساخت وسایل اداری، تکنیکهای مدیریت، آموزش عملیات مربوط به بازارهای سرمایه، و آموزش سیستم مدیریت ارشد،

نمودار شماره ۳ حجم سبدهای جاری در بانکهای عرب (میلیارد دلار آمریکا به بهای ثابت)



*** آنچه باید برای ایالات متحده مهم باشد، موج تغییرات و نوسانات قیمت در بخشهایی از اقتصاد اعراب نیست، بلکه اقیانوس عظیمی از تقاضا و رشد سبدهای جاری است که در این کشورها وجود دارد.**

*** حجم ۹۰ میلیارد دلاری واردات اعراب در سال ۱۹۸۴ بیانگر يك موقعیت مهم تجاری برای موسسات آمریکایی است.**

*** سطح واردات اعراب در سال ۱۹۸۴ بیش از ۱۲ برابر سطح این واردات در سال ۱۹۷۰ بوده است.**

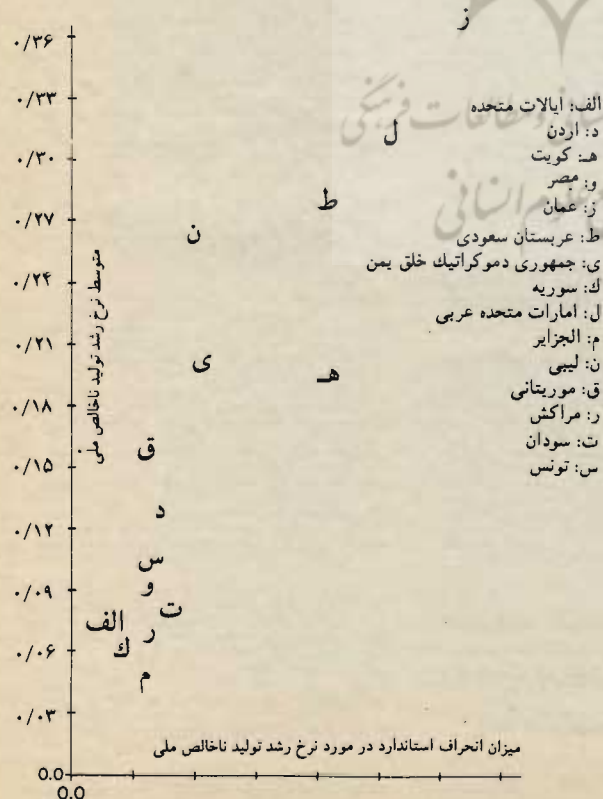
تنها برخی از کالاها و خدماتی هستند که انتظار می رود تقاضا برای آنها طی دهه آینده در بخش خدمات مالی جهان عرب، بسیار بالا باشد.

ایالات متحده دارای پیشرفته ترین صنایع خدمات توریستی جهان است و یکی از بزرگترین بازارهای بین المللی خدمات توریستی محسوب می شود. کشورهای عرب یکی از مطلوب ترین زمینه های توریستی جهان را در خود دارند و بسیاری از آنها مشتاقند تا از طریق گسترش توریسم درآمد ارزی خود را افزایش دهند.

در سالهای آینده صدور تکنولوژی خدمات توریستی و ارائه خدمات مدیریت این نوع فعالیتها به کشورهای عرب، به رشد خود در جهت فراهم کردن موقعیت های بهتر برای موسسات آمریکایی ادامه خواهد داد.

ارائه کامپیوتر و خدمات مربوط به آن نیز یکی دیگر از زمینه های رو به گسترش تجارت با کشورهای عربی است. اخیراً جهان عرب، فواید و نتایج بقیه در صفحه ۶۵

نمودار شماره ۴ - متوسط نرخ رشد اقتصادی سالانه (عمودی) و تغییرات نرخ رشد (افقی) جهان عرب و ایالات متحده



بودن سهم صادرات صنعتی در ترکیب کل صادرات غیرنفتی میباشد که این مسئله تقریباً در صادرات همه کشورهای در حال توسعه مشهود است. از طرف دیگر بالا بودن سهم واردات واسطه‌ای و مصرفی و پائین بودن سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای نیز از مشخصات دیگر تجارت خارجی ما میباشد. (۱)

بطور کلی تجارت خارجی ایران بدلیل حجم عظیم واردات تقریباً در کلیه بخشهای اقتصادی کشور تأثیر دارد که بدلیل مسایل مربوط به امور بانکی، توزیع، فروش و حمل و نقل، نیروی انسانی زیادی را جذب نموده است. از طرفی به علت شرایط خاص عرضه و تقاضای کالا در سالهای اخیر، عده زیادی وارد امور واسطه‌گری و دلالی شده‌اند. این افراد به مشاغل سرگرمند که در عین سودآوری غیرمولد نیز میباشد و تأثیر این جریان با توجه به کار کم و سود زیاد نه تنها در توزیع جمعیت شاغل و مولد بلکه در سطح دستمزدها نیز مشهود است. چه

جلوگیری از رشد و توسعه اقتصادی جهان سوم و استفاده از این کشورها به عنوان منبع تأمین مواد اولیه و بازار مصرف فرآورده‌های صنعتی غرب، از مهمترین اهدافی بوده است که کشورهای سرمایه‌داری غرب از همان آغاز توسعه اقتصادی خود آنرا تعقیب کرده‌اند. مهمترین ابزار دستیابی به این هدف، تسلط بر جریان تجارت بین‌المللی و ایجاد رابطه مبادله نابرابر بازرگانی بین گروه کشورهای توسعه یافته و جهان سوم در چهارچوب تقسیم بین‌المللی کار است. تجارت خارجی ایران نیز متأثر از همین عملکرد سرمایه داری جهانی از سالهای دهه ۴۰ به تدریج نقش اساسی تری در اقتصاد کشور به عهده گرفت و ساختار آن دستخوش تغییراتی اساسی شد. به گونه‌ای که یکی از ویژگیهای دائمی آن در سالهای دهه ۵۰ به بعد فاصله عمیق بین صادرات و واردات می‌باشد. که به موازات افزایش بهای نفت گسترش بیشتری یافته است.

از: فرشته انامیان

صادرات غیرنفتی؛ شناخت تنگناها

رسیده است. لیکن با افزایش ناگهانی قیمت نفت عدم توجه به صادرات غیرنفتی، از سال ۱۳۵۳ صادرات غیرنفتی روبه تنزل نهاده است بطوریکه صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۵۳ در حدود ۱۰ درصد کاهش و در سال ۱۳۵۷ در حدود ۲۷ درصد کاهش نسبت به سال قبل نشان میدهد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی این صادرات غیرنفتی از طریق رسمی، به‌علت بالا رفتن مسایل با شتاب بیشتری به سیر نزولی خود ادامه میدهد. چنانکه میزان صادرات در سال ۱۳۶۰ حدود ۲۷۰۲۹ میلیون ریال بوده که در مقام مقایسه با صادرات سال ۱۳۵۶ در حدود ۳۹ درصد کاهش نشان میدهد. هم چنین صادرات غیرنفتی ایران در سال ۱۳۶۱ در حدود ۲۳۸۸۲ میلیون ریال بود. در حقیقت پائین ترین رقم صادرات غیرنفتی ایران در ساله اخیر میباشد ارزش صادرات غیرنفتی ایران در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ (۲) و ۱۳۶۶ (۳) ۳۳۰۴۱ میلیون ریال، ۴۱۱۸۰ میلیون ریال، ۶۷۶۷۰ میلیون ریال بوده که نسبت به صادرات سال ۱۳۵۶ برتربن ۲۵ درصد کاهش ۶/۵ درصد که ۵۳ درصد افزایش نشان میدهد. (۳)

جدول شماره (۲) وضعیت صادرات غیرنفتی ایران را در سالهای اخیر نشان میدهد. لازم بادآورست که صادرات غیرنفتی ایران بر اثر عوامل و سیاستهای مثبت دولت در زمینه توسعه و تشویق صادرات، از جمله تغییر در روش ترجیحی و تغییرات در روش ارزیابی و قراردادهای تئراتری، از سالهای ۱۳۶۲ پیچیده بهبود است.

برطبق گزارشات بانک مرکزی، شاخص عمده فروشی کالاهای صادراتی از ۱۰۰ در

درآمدها حاصل از فعالیت در این بخش دستمزدها و در سطح وسیع تر قیمتها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با بالا رفتن قیمتها، باعث افزایش بیش از پیش قیمت تمام شده کالاهای صادراتی و در نتیجه تأثیرات منفی در صادرات کالا می‌شوند. تجارت خارجی ما بدلیل حجم عظیم واردات و وابستگی بخشهای صنعتی و کشاورزی به این واردات، تأثیری فراوان در تولیدات این بخشها و شاغلین در آنها دارد. در کشور ما که بر اثر سیاستهای غلط رژیم گذشته به یک جامعه مصرفی تبدیل شده هرگونه، گرایش به تغییر در الگوی واردات و یا نحوه توزیع و یا محدود نمودن واردات بدون در نظر گرفتن کلیه جوانب آن موجب افزایش فشار تقاضا بر کالاهای داخلی و بروز تورم مهار گسیخته‌ای خواهد شد که تجربه هائی از آن در دسترس است. به این لحاظ لازم است که در سیاستهای بازرگانی کشور تغییراتی اساسی و بنیانی نه تنها در زمینه محدود نمودن واردات بلکه در زمینه توسعه صادرات نیز داده شود. در این گزارش سعی شده است تا با شناخت صادرات غیرنفتی کشورمان و ارتباط آن با تنگنای بخشها، تنگناهای موجود در گسترش صادرات غیرنفتی تشریح شود.

صادرات غیرنفتی کشور، بررسی وضعیت موجود

رشد صادرات غیرنفتی کشور تا سال ۱۳۵۲ نسبتاً خوب بوده است بطوریکه رشد آن از ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۴۸ به ۴۴/۳ درصد در سال ۱۳۵۲

نتیجه این امر گرایش به سهم بیشتر واردات در کل تجارت خارجی ما میباشد بدین معنا که سهم واردات در کل تجارت خارجی که در سال ۱۳۱۱ در حدود ۵۵ درصد بوده در سال ۵۶ به ۹۶ درصد در سال ۱۳۶۱ به حدود ۹۸ درصد رسیده است. علت اساسی این امر مربوط به ساختار اقتصادی کشور و مصرفی بودن آن میباشد و سهم بالای واردات در کل تجارت خارجی ما در سالهای اولیه بعد از انقلاب نیز ناشی از همین مسئله است. خوشبختانه در سالهای اخیر با بکارگیری سیستم‌ها و سیاستهای تشویق صادرات و سعی در تحدید واردات کالاهای مصرفی این روند تا حدودی روبه بهبود نهاده است. جدول شماره (۱) کسری تراز بازرگانی (بدون احتساب نفت و سهم واردات و صادرات غیرنفتی را در تجارت خارجی ما در طی سالهای مختلف نشان می‌دهد.

مشخصه دیگر تجارت خارجی ما صادرات نیک محصولی (نفت) و وابستگی شدید به ارز حاصل از آن میباشد بدین ترتیب که طی سالهای متعدهای همواره سهم صادرات نفتی روبه افزایش بوده و بهمین نسبت سهم واردات کالا نیز افزایش یافته است در حالی که سهم صادرات غیرنفتی در مقابل صادرات نفتی همواره سیر نزولی داشته است.

سهم نفت در کل صادرات در سال ۱۳۱۱ در حدود ۶۸ درصد بوده و حال آنکه این سهم در سال ۱۳۵۶ به حدود ۹۳/۵ درصد رسیده است. در طی سالهای پس از انقلاب و خصوصاً در سالهای اخیر با افزایش صادرات غیرنفتی نسبتهای فوق روبه بهبود نهاده است.

خصوصیت دیگر تجارت خارجی ایران پائین